

فصل اول

تحقیقات علما در خصوص لفظ کرد

راجع بلفظ کرد درص ۳۶ گفتیم که درعهد پادشاهی گیمیل سین از سلسله سوم سلاطین اور (قرن ۲۲ ق.م.) نواحی کردستان فعلی ازجانب آن پادشاه بامیری توانا سپرده شد موسوم به وردننر Varad - Nannar و علاوه بر ولایت گنهر و همادی که ملک موروث آن امیر محسوب میشد نواحی اربل و ایثار و فرمانفرمائی طایفه سوبارتو و سرزمین کرده را باو وا گذاشت.

بنابر تحقیق تورودان ژن Thureau-Dangin این طایفه همسایه طایفه سو Su بوده و بقول مستشرق درایور Driver سو در جنوبی دریایچه وان قرار داشته است گویا قلعه سوی که در تاریخ شرفنامه ذکر شده و در ناحیه بدلیس بوده یادگار آن قوم باشد آرامی ها آن ناحیه را بیت کردو Berh Kardü خوانده اند و شهری را که بنام جزیره ابن عمر معروف است گزرتا دو کردو Gazarta d' kardu موسوم کرده اند.

ارامنه کلمه کردوخ را بکار برده اند و بلاذری و طبری آنجا را بقردی (قردای) نامیده اند بنا بر قول یاقوت که از ابن اثیر نقل کرده بلوک بقردی جزء جزیره ابن عمر بوده و دویست قریه ابواب جمعی داشته (الثمانین - جودی - فیروز شاپور) و در ساحل یساردجله روبروی بازبدی

که در ساحل یمین دجله بوده قرار داشته است^(۱) در عیون الاخبار ابن قتیبه جلد اول (ص ۲۱۴) این عبارت است: «اول قرية بنيت بعد الطوفان قرية بقردي تسمى سوق الثمانين كان نوح لما خرج من السفينة اتبناها . [وبنى] فيها لكل رجل آمن معه بيتاً و كانوا ثمانين فبقي اليوم تسمى الثمانين» یعنی نخستین دیهی که پس از طوفان ساخته شده دیه بقردا بود که نامش سوق الثمانین است نوح چون از کشتی بیرون شد آنجا را بی افکند و برای هر يك از مردانی که با وی بکشتی پناه برده بودند خانه بساخت چون هشتاد تن بودند از این رو امروز آنجا را سوق الثمانین خوانند»

بنا بر این در مکانی که امروز بهتان (بختان) و جزیره ابن عمر گویند ولایتی بسیار محدود بوده که آنجا را قردو میگفته اند و همان است که مورخان یونانی کردوئن Corduene خوانده اند در آن ولایت سه شهر بوده بر روی دجله ساریسا Sare'isa ساندکا Satalka پنیکا Pinaka (فنیك) و از نکات جالب توجه آن است که از کلام استرابون مستفاد میشود که این نام بر ناحیه کوهستانی بین موش و دیاربکر فعلی اطلاق میشده است^(۲) پرفسور مینورسکی در انسیکلوپدی اسلام تحقیقی دارد که نقل میشود:

یونانیان ساکنان این ناحیه را کردوخوی نامیده اند و جزء اخیر آن در لغت ارمنی علامت جمع است گویا سبب این باشد که مورخان یونانی آن نام را از زبان یکنفر ارمنی شنیده اند هنگامی که تیگران دوم پادشاه ارمنستان در قرن اول پیش از میلاد این ولایت را گرفت امر آنجا

(۱) انسیکلوپدی اسلام بار جع بکتاب هارتمان موسوم به بهتان

(۲) استرابون کتاب نهم بند ۱۲ فقره ۴ (نقل از انسیکلوپدی اسلام)

را که **زربی نوس** Zarbinus نام داشت بقتل رسانید در ۱۱۵ بعد از میلاد امپری در **کردوئن** حکومت میکرد است بنام **مانی ساروس** Manisarus ولی باید دانست که تسلط آرامنه در این ناحیه خیلی سطحی بوده و تغییری در اساس قومیت آنها نداده است.

گزنفون یونانی این قوم را **کردوک** (۱) خوانده است در عهد گزنفون که بحبوحه انبساط دولت هخامنشی بوده جای تعجب نیست که يك طایفه ایرانی در نواحی شمال دجله ساکن بوده باشند ولی جز نام آنها اثری در دست نداریم که کردوک ها را معرفی کند در لغت بابلی و آشوری لفظ **کردو** Kardu بمعنی نیرومند و پهلوان است آیا میتوان گفت که کردوک های گزنفون از طوایف آشوری یا کلدانی بوده اند؟ بعضی از فضلاء که در قرن ماضی شروع بتحقیقات کرده بودند این عقیده را داشتند چنانکه **لرچ** Lerch در ۱۸۵۶ عنوان کتاب خود را چنین قرار داده بود: «تحقیق درباره اکراد ایرانی و نیاکان آنها که از کلدانیان شمال بوده اند» لکن در سالهای اخیر دانشمندان متبحری چون **هارتمان** Hartmann و **نولدکه** Noeldeke و **وایسباخ** Weissbach مطلب را بنحو دیگر محل تحقیق قرار داده و از لحاظ قوانین زبان شناسی معتقدند که **کردو** و **کرد** از دوریشت متباین هستند و همین دانشمندان برآنند که قوم کورتی Cyrtii که مورخان یونانی قدیم در جزء طوایف ماد و پارس نام برده اند همین **کرد** فعلی است (استرابون کتاب XI بند ۳ و کتاب XV) و موید این قول وجود طوایف **اکراد** در فارس است در زمان ساسانیان (بنا بر کارنامه اردشیر (۱) در فصول آینده مفصلاً راجع بتلافی سیاه گزنفون با طایفه کردوک سخن خواهیم راند.

بابکان و اشارات مورخان ایرانی و عرب).

موافق این تحقیقات که از مقاله کرد انسیلکوپدی اسلام نقل شد معلوم می شود که جز قرابت لفظی میان **کردو** و **قردوی** بابلی موجود نیست و در مورد لغات قدیمه نباید بشباهت ظاهری اکتفا کرد چنانکه بعضی از نویسندگان ایرانی از قبیل مرحوم میرزا آقا خان کرمانی از این راه رفته و دچار اشتباهات عدیده شده اند و اگر باین قبیل شباهت ها توجه کنیم اولی اینست که کرد را از گرد بدانیم که لفظ ایرانی بمعنی پهلوان است در صورتیکه این دو کلمه هم از يك ریشه نیستند گرد از ریشه **ور** است بمعنی حمایت شده و محروس و ربطی به **کرد** ندارد (۱).

اما در باب **کرد** و **خالدی** - بعضی از محققان جدید کرد را تحریف خالدی شمرده اند چنانکه در باب اول صفحه ۱۵ گفتیم در قرن نهم قبل از میلاد در ناحیه **وان** دولتی تشکیل شد بنام **هالندیا** (خالدی) که آشوریان آنها را **اورارتو** و **اوراشطو** گویند و در عبری **اراراط** نامند و یونانیان **الارودی** و خالدوی و خالدایوی ذکر کنند این دولت تا قرن ششم قبل از میلاد باقی بود بعد از آنکه آرامنه پیدا شدند خالدی ها پراکنده شده بکوهستان ها رفتند (کتاب کوروپدی گزنفون جلد سوم فصل ۳-۱) در نواحی شمال دریاچه **وان** آثار این قوم موجود است و در نزدیکی **طرابوزان** نقطه ای باسم **خاندیا** در عهد دولت بیزانس بوده و شهر **خلاط** [اخلاط] نیز حاکی از نام آنان است حتی در طرف قفقاز هم نام این طایفه هست (۲) چنانکه گفتیم سنگ معروف **کاهشین** در مرز ایران از این دوات است باری بعضی

(۱) Horn, Neu pers.-Etymologie P. 200

(۲) یکی از طوایف کلهر کرمانشاهان خالدی نام دارد.

از محققان مثل **رایسکه** Reiske گفته اند « خالیدی و کردی و کورتی و گردیای همه یکی است » (۱) تیکلات ییلسر آشوری در استوانه ای که بیادگار گذاشته نام طایفه **قورطیه** Kurtie را که در کوهستان **آزو** بوده اند جزء طوایفی که باطاعت خود آورده ذکر میکند باعتقاد **دراپور** Driver **آزو** Azu همان **حازو** (ساسون) امروز است در مغرب دریایچه وان ولی باعتقاد پرفسور مینورسکی کلمه قورطیه مشکوک است .

درباب کلمه قورطی (کورتی) آقای **سیر سیدنی اسمیث** مدیر دایره آثار قدیمه عراق که از دانشمندان آثار باستانی است رائی خاص دارد . بخواهش آقای محمد امین زکی صاحب تاریخ **کوردو کوردستان** مقاله ای راجع بتاریخ قدیم این ناحیه که بعداً کردستان خوانده شده نوشته است که در آن کتاب ضبط است .

پس از شرحی که راجع بطوایف قدیمه زاگروس نگاشته درخصوص کلمه **قورطی** گوید بنابر اسناد آشوری در تمام قرن ۱۳ قبل از میلاد در این ناحیه حادثه ای رخ نداده است مگر ظهور قومی بنام **پاپهی** Paphi سابقاً در آثار آشوری این لفظ را **کورتی** Qurti میخوانده اند و آنرا با نام **کرد** یکی میدانسته اند ولی اخیراً معلوم شده که این قرائت صحیح نیست زیرا که در **بغازکوی** الواحی بدست آمده و ذکر قوم **پاپانهی** رفته است که با احتمال قوی همان پاپهی باید باشد قرائت سابق آن کلمه غلط بوده است (۲) و سبب این اشتباهات آنستکه در رسم الخط قدیم بین النهرین هنوز آهنگ بعضی حروف و مخارج اصوات بدرستی معلوم نشده است .

(۱) انسیکلویدی اسلام ص ۱۱۹۷ جلد دوم فرانسه .

(۲) کورد و کوردستان ج ۱ چاپ بغداد ص ۵۷

خلاصه اقوال سابق الذکر اینستکه کلمانی شبیه یا قریب لفظ **کرد** در آثار مربوطه بزاگروس و حوالی آن دیده شده است و بعضی از محققان آنها را با لفظ **کردیکی** پنداشته اند در صورتیکه نه **کردو** نه **قورطی** نه **بقردی** نه **خالدی** هیچیک ارتباط استواری با کلمه **کرد** ندارد و دانشمندان باستان شناس را در رد آنها حجت های بسیار است .

بنظر نگارنده نه جای رد قطعی است نه اثبات و شق ثالثی را باید معتبر دانست و آن تفکیک نام طایفه **کرد** از محل **کرد** است . توضیح آنکه در زمانهای بسیار قدیم در ناحیه **جزیره ابن عمر** مکانی بوده است بنام **کردو** (بیت **کردو**) و محل تاخت و تاز دولت نیرومند هالدیا (خالدی) شده و چون امواج مهاجرین ایرانی با طوایف ماد و پارس به مغرب زاگروس رسیده اند طایفه فعلی **کرد** که دوش بدوش سایر برادران نژادی خود پیش میرفته اند این ناحیه را بتصرف آورده در آن مسکن اختیار کرده اند چنانکه قوم ماد خود را در **کرد** ستان فعلی ایران استقرار بخشید و قوم **پار** سوا خود را در مغرب دریاچه ارومیه . جای داد واقوام بومی آن نقاط را بر عیتی خود در آورده در خود منحل کردند پس طایفه ایرانی **کرد** هم در ناحیه ای که از قدیم الایام **کردو** نامیده میشده ساکن شد و بومیان را **مستهلك** یا فراری **کرد** و از آن تاریخ بنام **مکان** جدیدش خوانده شد . با این قول که تکیه باسناد تاریخی دارد قول محققان سابق الذکر محفوظ میماند که جایی بنام **کرده** Karada یا **کردو** یا **قورطی** بوده است و حقیقت امر هم که ایرانی بودن اکراد است اعظمه نمی بیند زیرا که بسیار اتفاق افتاده است طوایف تازه وارد نام محلی را که پیش از آنها مشهور بوده گرفته اند و این بسته بقوت و ضعف شهرت آن نام است مثل همه طوایف و اممی که از خارج

بآذربایجان (اتروپاتکان) آمده اند و نام خویش را از دست داده بدون هیچ امتیازی عموماً آذربایجانی خوانده شده اند درین مورد هم نام **قردو** یا **قورطی** یا **کرده** شهرت داشته و طایفه ایرانی که خود را بآنجا رسانیده قهراً با اسم مکان جدیدش شهرت یافته است نظیر این قول را در باب اول راجع بکاسی ها ذکر کردیم که بنابر رأی علماء باستان شناس در لرستان محلی بوده است باین نام (کاششو) و قوم معروف بکاسی از خارج بآنجا آمده و حتی اسم خدای طایفگی خود را هم بمقتضای مکان جدید عوض کرده اند (رجوع شود به ص ۳۸)

این رأی ما که اظهار کردیم موافق است با اشاره ای که پرفسور مینورسکی در انسلیکوپدی اسلام اظهار کرده و مفادش چنین است :

پس از آنکه حقاً فرق میان **کردو** و **قردو** معلوم گردید که از دو ریشه مختلفند این سؤال پیش میآید که بچه ترتیب طایفه **کورتی** (یعنی کردان ایرانی) توانسته اند اراضی غرب سلسله زاگروس و مسکن طایفه قدیم **قردو** را فرو گرفته و کوهستان **آنتی تورو**س را تا شمال سوریه اشغال کنند؟ تحقیق در این سلسله محتاج مطالعات و تفحصات دقیق است ولی اجمالاً پیدا است که فتوحات قوم ماد و پارس موجب تغییرات وسیعی شده است و طوایف ایرانی مهاجرت های دور و دراز کرده اند مثلاً قسمتی از طایفه ایرانی **ساکارتیا** Sagartiya که مسکنشان سیستان بوده در آن ایام کوچ کرده و رو بغرب نهاده اند چنانکه در عهد آشوریان این قوم را در کشور ماد (کردستان فعلی) می بینیم [استرك Streck تحت عنوان **زیکیر تو** Zikirtu و **زاکرو تی** Zakruti بحثی راجع بآنها کرده است]. در عهد داریوش بزرگ هخامنشی مطابق کتیبه بیستون کرسی این

طایفه دردشت آشور یعنی **اربل** بود و داریوش سردار آنانرا که **چیتران تخمه** Citran takhma نام داشت در آن جا سیاست کرد و از قضا صورت این مرد در جزء اسیران کتیبه بیستون خیلی شباهت با **کرااد** دارد. در اینجا ترجمه این عبارت کتیبه بیستون را برای توضیح گفتار آقای پرفسور مینورسکی علاوه می کنیم و بعد نتیجه تحقیق ایشان را می آوریم.

« بند چهاردهم - داریوش شاه می گوید: مردی **چیتر تخم** نام **ساعتاری** بر من بشورید و مردمان را گفت من شاه ساگارت و ازدودمان **هو و خشر** هستم من در زمان سپاهی از پارسیان و مادیان بر سر او فرستادم مردی **تخمسپاد** نام را که فرمان بردار من است رئیس سپاه کردم و گفتم بروید و این لشکر را که از من برگشته و خود را از سپاهیان من نمیدانند در هم شکنید پس از آن تخمسپاد با لشگری حرکت کرد و با **چیتر تخم** جنگید **اهور مزدا** مرا بیاری خود مخصوص گردانید بمشیت اهور مزدا سپاه من بر لشگری که از من برگشته بود فیروز شد و چیتر تخم را گرفته نزد من آوردند. من گوشها و بینی او را بریدم و چشمانش را برکندم او را در درگاه بزنجیر بسته بازداشتند همه مردمان او را دیدند پس بامر من او را در آربل مصلوب کردند ».

باری مینورسکی گوید از اینقرار حرکت قبایل ایرانی از شرق بغرب با شتابی فوق العاده صورت میگرفته و جای تعجب نیست که کردها خود را سرعت در محل بومیان قدیم که در نتیجه هجوم ایرانیان ضعیف و پراکنده شده بودند قرار داده باشند حتی اگراد در این نهضت بجانب مغرب اکتفا بولایت آشور (شمال بین النهرین) هم نکرده خود را به آسیای صغیر نیز افکنده اند چنانکه در فاصله ۲۲۰ و ۱۷۱ قبل از میلاد چریکی های

کرد Cyrtii در جنگهای رومیها و سلوکیها و پادشاهان پرسیام شرکت
جسته اند (تیت لیو Tite Live) کتاب ۴۲ فصل ۵۸ بند ۱۳ و کتاب
۳۷ فصل ۴ بند ۹] در این باب ریناخ Reinach مقاله‌ای در مجله
باستان شناسی تحت عنوان چریکی های پرسیام درج کرده است سال
[۱۹۰۹]

مطلب دیگر اشاراتی است که در جغرافیای قدیم ارمنستان در باب
ولایت کرچیخ Korcëkh دیده می شود بنابر قول آدنتس Adontz در
کتاب آرمینا ص ۴۱۸ کلمه کرچیخ مرکب از دو جزء است :
کرچیخ - آییخ و منی آن کرد است چنانکه آتروپاتیخ Atropatic
یعنی ساکنان آتروپاتن (آذربایجان). در زمان فوستوس بیزانسی
قرن چهارم بعد از میلاد ولایت کرچیخ بلوکی بوده است نزدیک سلماس
(شاپور) و خاک آن بین جولامرک و جزیره ابن عمر گسترده بوده است
و شامل نواحی ذیل میشده است: کر دوخ و ولایات ثلاث معروف به کر دینخ
(کر دینخ) و آیی تو آنیخ و آیی گرخ و چند محل دیگر که در انسیکلوپدی
اسلام مقاله آقای مینورسکی راجع باکراد مذکور است.

خلاصه اینکه در نواحی مذکور اقوام متعددی بوده اند که نامشان
اکثر قریب بیکدیگر بوده و در همه اسامی آنها ریشه ک.د.د. نمایان است
در زمانهای بعد همه آن طوایف ایرانی را بنام عمومی اکراد خوانده اند و
شعب سابقه از میان رفته است در میان این طوایف بعضی بومیان عتیقند
مثل عشیره قردو و (تمورینخ = طمورایه که مرکز آن ها القی = الک
Elek بوده و الخویثه Al-Khuwaithya در بلوک خویت (ساسون) و

اورطایه = (الارطان) در میان شعب فرات و اقوام سامی و ارمنی نیز در آن نواحی بوده اند (چنانکه بعضی طایفه ممقانی را از نژاد مامیکونیهای ارمنستان می‌شمارند)

در قرن بیستم تحقیق محققان باینجا رسید که در میان اکراد يك طبقه ایرانی دیگر هم هست با اسم **گوران** - زازا که غیر از کرد هستند. همه این طوایف چه ایرانی چه بومی قدیم چه سایر نژاد ها در زیر موج مهاجمین اکراد ایرانی فرو رفته و استقلال نژادی را از دست داده همه کرد و ایرانی شده اند معذک هنوز در بعض نقاط کردستان میتوان طبقاتی اجتماعی تشخیص داد که امتیاز آنها از لحاظ تسلط سیاسی قوم غالب جدیدالورود پیدا شده است. اکراد تازه وارد طبقه مسلط و حاکم شده و توده قدیم برعیتی وزیردستی تن در داده اند در سلیمانیه در ساوجبلاغ (مهاباد) در قطور این امتیازات آشکار است در قطور بقایای طایفه **کورسینلی** Kursinly ناسالهای اخیر دیده میشدند که تابع شکاکها بودند بنابراین اگر تحقیقات منظم علمی بشود ممکن است بقایای اقوام عتیق که در زیر موج توحید بخش اکراد فرو رفته است بدست بیاید. (۱)

این بود آنچه تحقیقات علمی دانشمندان اروپائی راجع بمبداء کرد بدست میدهد.

معلوم شد که کرد نام طایفه غالب ایرانی است که مثل ماد و پارس کوهستان مغرب ایران و حوالی آنرا تا شمال شامات و جنوب ارمنستان فرو گرفته و همه طوایف قدیم را در خود مندک و منه مک ساخته نام خویش

(۱) انسیکلوپدی اسلام ص ۱۱۹۸ جلد دوم چاپ فرانسه مقاله کرد.

را بر آنها پوشانده اند و حتی همین نام را هم طایفه مهاجرین ایرانی در اوایل ورود بشمال بین‌النهرین از اسم مسکن خود که **بیت‌قردو** (جزیره ابن عمر) خوانده میشد گرفته و در عالم بآن اسم مشهور شده اند بعبارت مختصرتر کرد آن شعبه از نژاد ایرانی است، برادر ماد و پارس یاعین ماد و پارس که با نام جدید محلی خودش فرمانفرمای ناحیه وسیع زاگروس شده و اقوام سلف را جزء خود کرده و نام خویش را بآنها داده است.